

مطالعه موردی

بازخوانی دو گفتمان متقابل در بازنمایی سیمای شهری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی*

علیرضا زند

گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

قاسم مطلبی**

گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی، اصفهان به یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری مباحث هویت معماری در ایران تبدیل شد. مجموعه‌ای از پروژه‌های شهری و مداخلات معمارانه در فضاهای تاریخی با عرصه توسعه شهری-زمینه بروز دو رویکرد متفاوت نسبت به گذشته و «هویت» معماری ایرانی را فراهم کرد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که این دو رویکرد چگونه در رسانه‌ها بازنمایی شده و چه نقشی در شکل‌دهی هویت ملی در معماری اصفهان داشته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر سه سوژه خبری و چند پروژه مهم معماری، به تحلیل تقابل دو گفتمان «رسمی-توریستی» و «حرفه‌ای-انتقادی» می‌پردازد؛ گفتمان‌هایی که برداشت‌هایی متفاوت از نقش گذشته و امکان معماری ایرانی در دوران معاصر ارائه می‌کنند. هدف آن است که نشان دهد این دو گفتمان چگونه از طریق بازنمایی رسانه‌ای و تصمیمات طراحی بر هویت معماری اصفهان اثر گذاشته‌اند. روش پژوهش بر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استوار است و داده‌ها از طریق گردآوری نظام‌مند اخبار و گزارش‌های فیش‌های روزانه روزنامه‌اطلاعات، بولتن انجمن آرشیست‌ها و مجله هنر و معماری به‌دست آمده‌اند. این منابع امکان مقایسه رویکرد نهادهای رسمی و جامعه حرفه‌ای معماران در مواجهه با پروژه‌های شهری اصفهان را فراهم می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد گفتمان رسمی-توریستی با تأکید بر بازنمایی تاریخ و برجسته‌سازی عناصر فرهنگی، می‌کوشید تصویری «اصیل» و مطلوب از اصفهان ارائه دهد؛ درحالی‌که گفتمان حرفه‌ای-انتقادی بر خوانش معمارانه گذشته و تعامل سنجیده با سنت تکیه داشت. بررسی سوژه‌های خبری نشان می‌دهد تقابل این دو گفتمان، معنا و هویت معماری اصفهان را در این دوره به شکلی چندلایه و غیرخطی شکل داده است. نوآوری پژوهش آنجاست که این فرایندها را در قالب تحلیلی گفتمانی یکپارچه بررسی می‌کند و سازوکارهایی را آشکار می‌سازد که طی آن‌ها روایت‌های متفاوت سنت و مدرنیته در شکل‌گیری سیمای شهری اصفهان نقش یافته‌اند.

واژگان کلیدی سیمای شهری اصفهان، هویت ملی، معماری ملی، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، گفتمان رسمی-توریستی، گفتمان حرفه‌ای-انتقادی

در این بستر، تحولات شهری اصفهان مسیری یک‌دست نپیمود، بلکه به شکل‌گیری دو گفتمان هویتی متمایز انجامید: گفتمانی که با تأکید بر بازنمایی نمایشی گذشته و تداوم صوری «صالت»، در پی تثبیت تصویری رسمی و توریستی از هویت ایرانی بود، و در مقابل، رویکردی که گذشته را منبعی برای بازخوانی معاصر می‌دانست و می‌کوشید نسبتی تازه میان سنت و مدرنیته برقرار کند.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که این دو گفتمان چگونه در رسانه‌ها و منابع حرفه‌ای معماری مرتبط با پروژه‌های شهری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بازنمایی شده‌اند و این بازنمایی‌ها چگونه به تولید معناهای متفاوت از «صالت»، «ایران» و «مکان تاریخی» انجامیده و اصفهان را به میدان رقابتی برای صورت‌بندی هویت ملی بدل کرده‌اند.

مقدمه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی، اصفهان به یکی از کانون‌های تحولات شهری و معماری ایران بدل شد؛ دوره‌ای که نوسازی شهری، گسترش گردشگری و سیاست‌های فرهنگی دولت در بازنمایی «هویت ایرانی» به‌طور هم‌زمان پیش می‌رفتند. این هم‌نشینی گذشته و مدرنیته، اصفهان را از یک‌سو به عرصه مداخلات کالبدی و ازسوی دیگر، به صحنه بازتعریف روایت‌های هویتی تبدیل کرد؛ به‌گونه‌ای که فضاهای تاریخی، بافت‌های پیرامونی و پروژه‌های جدید معماری، محل تلاقی میراث صفوی، نیازهای شهر مدرن و گفتمان‌های مسلط فرهنگی شدند.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «علیرضا زند» تحت عنوان «مسئله هویت ملی در معماری معاصر ایران در عصر پهلوی دوم؛ بازه زمانی ۱۳۴۱-۱۳۵۷ شمسی» است که به‌راهنمایی دکتر «قاسم مطلبی» در دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۲۷۹۰۱۷۹ motalebi@ut.ac.ir

پیشینه پژوهش

با وجود گسترش مطالعات مرتبط با هویت ملی ایرانی در حوزه‌های تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، پژوهش‌هایی که به‌طور مشخص به نسبت هویت ملی و مکان بپردازند، هنوز محدود و پراکنده‌اند. بیشتر آثار موجود یا بر ابعاد نظری هویت تمرکز کرده‌اند یا به مطالعه روندهای کلان هویت‌سازی پرداخته‌اند، اما به نقش مکان، مداخلات فضایی و سازمان‌دهی فضا در تولید هویت کمتر توجه شده است. در این میان، چند پژوهش برجسته وجود دارد که به شکل‌گیری هویت ملی از زاویه مکان و فضا پرداخته‌اند. برای نمونه، علی مظفری در مقاله «مدرنیته و هویت: موزه ملی ایران» نشان می‌دهد که چگونه دو بخش ایران باستان و دوران اسلامی موزه ملی، هر یک حامل روایت متفاوتی از هویت ملی بوده‌اند و تغییرات فضایی این دو بخش بازتابی از دو پروژه هویت‌ساز متفاوت در ایران معاصر است (Mozaffari, 2007). تالین گریگور (Grigor, 2002, 2003) نشان می‌دهد که یادمان‌های عمومی و مکان‌های نمادین در ایران از بناهای پهلوی تا شهیدآزادی - در گذر تحولات سیاسی و تغییرات حافظه جمعی، بدون تغییر کالبدی، به‌طور مداوم بازتفسیر و حتی بازپس‌گیری اجتماعی می‌شوند و از این طریق در بازتولید روایت‌های هویت ملی نقش فعال می‌یابند. روندی که به زعم پاملا کریمی (Karimi, 2013) در مقیاس فضاهای زیست‌روزمره و معماری داخلی نیز قابل پیگیری است و نشان می‌دهد نقش مکان در هویت‌سازی به فضاهای رسمی و یادمانی محدود نمی‌ماند. همچنین سوسن بابایی (Babaie, 2008) با تحلیل فضاهای شهری و معماری اصفهان نشان می‌دهد که مکان‌ها در شهر ایرانی از دیرباز حامل معانی سیاسی، آئینی و هویتی بوده‌اند و به‌مثابه سازوکارهایی برای سامان‌دهی حافظه جمعی و نمایش قدرت عمل کرده‌اند. با این حال، پیوند میان هویت ملی و مکان در قالب تحلیل گفتمانی پروژه‌های معماری یک شهر تاریخی و نحوه بازنمایی آن‌ها در رسانه‌ها و متون حرفه‌ای، همچنان کمتر به‌صورت نظام‌مند بررسی شده است؛ مسئله‌ای که این پژوهش آن را در بستر اصفهان دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دنبال می‌کند.

مبانی نظری

هویت ملی، پدیده‌ای تاریخی و برساخته است که در بستر تحولات سیاسی، فرهنگی و روایی شکل می‌گیرد و در دوره‌های مختلف معانی متفاوتی می‌یابد. هیچ مجموعه‌ای ثابت یا از پیش تعیین‌شده‌ای از عناصر مانند نژاد، زبان، دین یا سنت نمی‌تواند ملاک عام برای تعریف هویت ملی باشد؛ زیرا این هویت همواره در پیوند با «خاطرات و تصورات جمعی» ساخته می‌شود و در طول زمان بنا بر نیازهای تاریخی بازآفرینی یا احیا می‌شود (Ashraf, 2022).

با وجود اینکه گروهی از پژوهشگران نظیر اریک هابسبام^۱ مفاهیم مرتبط با هویت ملی را ابداعات تاریخی^۲ جدیدی می‌دانند که عمدتاً در دوران دولت-ملت‌ها^۳ برای تثبیت مشروعیت دولت‌های مدرن در دو قرن اخیر شکل گرفتند؛ اما در خصوص برخی جوامع تاریخی

نظیر ایران، هابسبام معتقد است که «هویت ایرانی-زرتشتی» در دوران پیش از اسلام و «هویت ایرانی-شیعی» در دوران اسلامی، نوعی «شبه ناسیونالیسم اولیه» را در جامعه ایرانی به وجود آورده است. به بیان او، تجربه ایرانی نمونه‌ای است که در آن لایه‌های کهن هویت با فرایندهای مدرن ملت‌سازی درهم می‌آمیزند و گذشته نقش فعالی در صورت‌بندی هویت امروز به‌دست می‌گیرد (Hobsbawm, 1990). علی مظفری (Mozaffari, 2021) با برجسته‌کردن نقش «مکان» در این فرایند نشان می‌دهد که هویت نه جوهری پایدار، بلکه روایتی پویا و بازتولیدشونده است که در مواجهه با دیگری و از طریق تجربه زیسته و کنش اجتماعی شکل می‌گیرد. از دید او مکان‌های شهری خود محصول روندی تاریخی، سیال و «تقش‌بندی‌شده»^۴ هستند؛ یعنی مکان از راه روایت‌های تاریخی، آیین‌ها، مداخلات فضایی و سیاسی‌سازی آگاهانه، معنا می‌یابد و در حافظه جمعی تثبیت می‌شود.

پهلوی اول با تکیه بر گذشته پیشااسلامی و با خلق نقش‌بندی‌های کالبدی تازه، کوشید نوعی ناسیونالیسم فرهنگی را در فضاهای شهری و بناهای یادمانی تثبیت کند (ibid., 49). این روند در دوره پهلوی دوم نیز ادامه یافت، اما صورتی ترکیبی‌تر به خود گرفت و همزمان از عناصر باستانی، نمادهای شیعی و روایت‌های تجددگرایانه بهره برد؛ روایتی که در قالب مداخلات معماری و شهری به‌صورت یک هویت التقاطی و مشروعیت‌بخش بازنمایی می‌شد (ibid.). در این چشم‌انداز، مکان‌های شهری از جمله فضاهای تاریخی اصفهان - نه صرفاً کالبدی فیزیکی، بلکه عرصه‌هایی برای شکل‌گیری و تقابل روایت‌های هویتی‌اند. از همین‌رو، مجموعه اقدامات و طرح‌های توسعه شهری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ را می‌توان بخشی از فرایند بازتعریف گذشته و ساختن تصاویری تازه از «اصالت» و «هویت ملی» دانست؛ چه این مداخلات در ساماندهی فضاهای تاریخی رخ داده باشد و چه در افزودن عناصر مدرن به بافت شهر. این تحولات بیش از آنکه صرفاً کالبدی باشند، کنش‌هایی معنابخش‌اند که در آن نهادهای رسمی، معماران و رسانه‌ها در تولید روایت‌های متفاوت از نسبت سنت، تاریخ و مدرنیته نقش داشته‌اند.

روش پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، یکی از معتبرترین چارچوب‌های نظری برای مطالعه فرایندهای تولید معنا در متن، کنش‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی است (Fairclough, 1995/2019). در این مدل، تحلیل در سه سطح مرتبط انجام می‌شود: (۱) سطح متن (Text) شامل ویژگی‌های زبانی و نحوه بازنمایی معنا؛ (۲) سطح کنش گفتمانی (Discursive Practice) شامل تولید، توزیع و مصرف متن و (۳) سطح بافت اجتماعی (Social Practice) شامل نیروهای قدرت، سیاست‌گذاری، اقتصاد و ایدئولوژی که گفتمان را شکل می‌دهند (Fairclough, 1995/2019, 1989; Jørgensen & Phillips, 2002). با توجه به ماهیت داده‌های این پژوهش - که متکی بر اسناد مطبوعاتی،

نشانه‌هایی بیشتر حول آن سوژه نیز مرور شد تا ابعاد تاریخی و گفتمانی هر سوژه روشن‌تر شود و زمینه‌ای کافی برای ورود به سه محور خبری اصلی این پژوهش فراهم شود.

• سوژه نخست: کاروانسرای دیروز - مهمانسرای امروز

باززنده‌سازی کاروانسرای عباسی به «مهمانسرای شاه‌عباس کبیر» از مهم‌ترین مداخلات معماری و شهری اصفهان در دهه‌های میانی قرن چهاردهم بود؛ پروژه‌ای که از ابتدا در تقاطع حفاظت از میراث صفوی و پاسخ‌گویی به نیازهای گردشگری مدرن قرار گرفت و طی یک دهه به عرصه بروز دو تلقی متضاد از «معماری ایرانی معاصر» بدل شد.

در میانه دهه ۳۰، کمبود هتل مناسب در اصفهان موجب شد شرکت سهامی بیمه ایران به پیشنهاد آندره گدار - تبدیل کاروانسرا به مهمانخانه را تصویب کند. عملیات ساخت در ۱۳۳۷ آغاز شد و ماکسیم سیرو^۵ طرح اولیه بنا را ارائه داد؛ طرحی که تا ۱۳۴۵ به مرحله تکمیل نزدیک شد. در این طرح حیاط مرکزی با الگوی باغ ایرانی بازآفرینی شده بود و نماهای داخلی در امتداد سبک صفوی بازسازی شدند، اما نمای اصلی رو به خیابان جنوبی گویشی مدرن و متأثر از «سبک بین‌المللی»^۶ داشت؛ با خطوط ساده و نوارهای افقی که طرح را به تلاشی برای پیوند معماری جدید و سنتی بدل می‌کرد. این تجربه بعدها به‌عنوان یکی از نخستین نمونه‌های مرمت و احیای بناهای تاریخی در ایران شناخته شد

(Daniel & Tajdar, 2021, 302 & 308) (تصویر ۱).

با پیشرفت کار، رویکرد پروژه تغییر یافت. طرح اولیه که بر ترکیبی کنترل‌شده میان کالبد تاریخی و نیازهای معاصر استوار بود، به تدریج جای خود را به این ایده داد که بنا نه فقط مرمت، بلکه به نمایشگاهی از هنرهای اصیل اصفهان تبدیل شود. در این چرخش، نقش طراحان و استادکاران صنایع دستی پررنگ‌تر شد و دکوراسیون داخلی با ارجاع به لایه‌های سطحی از هنر دوره‌های سلجوقی، صفوی و قاجاری - را به تعیین‌کننده‌ترین بخش هویت نهایی بنا بدل ساخت (در مهمانسرای ...، ۱۳۴۵، ۶).

تأکید فزاینده بر نمایش «هنرهای اصیل» در فضاهای داخلی، نشان می‌دهد که منطق غالب پروژه از خوانش معمارانه تاریخ به سوی بازنمایی صحنه‌پردازانه و مصرف‌پذیر گذشته متمایل شد؛ تغییری که زمینه‌ساز واکنش‌های انتقادی در میان معماران حرفه‌ای شد. آرشیوتکت وارطان هاوانسیان (۱۳۴۸، ۳۵) که احتمالاً در حدود سال ۱۳۴۸ از بنا دیدن کرده بود، در مقاله‌ای انتقادی نتیجه این رویکرد تلفیقی را چنین توصیف می‌کند:

توصیف پروژه‌ها، نقدهای حرفه‌ای و سیاست‌های شهری دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی است - سه سطح اصلی فرکلاف به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های تحلیلی جزئی‌تر تفکیک شده است تا لایه‌های معنایی و ساختاری گفتمان‌های معماری به‌طور دقیق‌تری آشکار شود. در این الگو، سطح متن به کمک سه مؤلفه «زبان و کلیدواژه‌ها»، «تحوه بازنمایی رسانه‌ای» و «لحن گفتمان» صورت‌بندی شده است. سطح کنش گفتمانی از طریق مؤلفه‌های «جایگاه معمار»، «کنشگران اصلی» و «توع و هدف پروژه» تحلیل شده است. در نهایت، سطح بافت اجتماعی با دو مؤلفه «رویکرد به سنت/ مدرنیته» و «فضای کلی و ایدئولوژی گفتمان» بازسازی شده است.

این تفکیک سه‌سطحی - هشت‌لایه‌ای به پژوهش امکان می‌دهد تا تفاوت‌ها و تقابل‌های دو گفتمان «رسمی - توریستی» و «حرفه‌ای - انتقادی» را در قالب یک ماتریس تحلیلی مشخص مشاهده‌پذیر کند. **جدول ۱** پژوهش که ارزش‌ها، مفاهیم، کنشگران، زبان و منطق هر دو گفتمان را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد، نتیجه همین فرایند است و ابزاری برای تحلیل تطبیقی پروژه‌های شاخص معماری شهر اصفهان در دوره مورد مطالعه فراهم می‌کند.

بحث

این بخش بر پایه گردآوری نظام‌مند اخبار و مستندات مربوط به تحولات معماری و شهری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تنظیم شده است. آرشیو «فیش‌های روزانه» روزنامه اطلاعات - که توسط گروه «معماری دوران تحول» گردآوری شده - منبع اصلی پژوهش در رصد رخدادها و مباحث روز معماری بود. «بولتن انجمن آرشیوتکت‌های ایران» (معماری ملی، ۱۳۴۷) نیز دیدگاه‌ها و واکنش‌های صنفی معماران در برابر سیاست‌های شهری و بحث‌های «معماری ملی» را منعکس می‌کرد. همچنین «مجله هنر و معماری» (۱۳۴۸ تا اوایل ۱۳۵۷) فضای حرفه‌ای معماری، پروژه‌ها و نقدهای نظری این دوره را صورت‌بندی کرده است. بررسی این منابع نشان داد که مسئله هویت معماری اصفهان عمدتاً در پیوند با پروژه‌های شهری، تصمیم‌های مدیریتی و کنشگری نهادهای رسمی و حرفه‌ای مطرح شده است.

پس از گردآوری اولیه داده‌ها از مراجع اصلی تحقیق، سه سوژه خبری از میان پروژه‌ها و موضوعات مرتبط با توسعه شهری اصفهان در دوره پژوهش انتخاب شد، سپس منابع تکمیلی در خصوص به‌دست‌آوردن



تصویر ۱. طرح اولیه هتل شاه عباسی پیش از مداخلات فضایی دهه ۵۰ شمسی. مأخذ: آرشیو گروه معماری دوران تحول.

فرکلاف نشان می‌دهد، مهمانسرای شاه‌عباسی محل تلاقی و تقابل دو منطق گفت‌وگویی متقابل است. در سطح متن، طیفی از بازنمایی‌ها - از ستایش‌های مطبوعاتی درباره «احیای هنرهای اصیل» و برجسته‌سازی تزئینات سنتی، تا نقد حرفه‌ای وارطان نسبت به دکوراسیون افراطی - دو شیوه معنای‌داری از گذشته را نشان می‌دهد: گذشته به مثابه امری نمایشی و مصرف‌پذیر در برابر گذشته به عنوان منبع تفسیر و آفرینش معمارانه. در سطح کنش گفت‌وگویی، تغییر مسیر پروژه - از طرح اولیه سیرو با منطق تلفیق کنترل شده به پررنگ‌شدن نقش گروه‌های صنایع‌دستی و سپس برگزاری مسابقه معماری - حاکی از دگرگونی کنشگران، سازوکارهای تصمیم‌گیری و منطق تولید و گردش معناست. در سطح بافت اجتماعی، این تحولات در پیوند با سیاست‌های فرهنگی - گردشگری دولت، بازار توریسم و واکنش جامعه حرفه‌ای معماران، مهمانسرا را به عرصه تقابل گفت‌وگو رسمی - توریستی و گفت‌وگو حرفه‌ای - انتقادی بدل می‌کند؛ تقابلی که در آن هویت معماری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به مثابه امری منازعه‌آمیز و برساخته شکل می‌گیرد.

• سوژه دوم: توسعه به علاوه حفظ هویت

افزایش جایگاه گردشگری اصفهان و تجربه باززنده‌سازی مهمانسرای شاه‌عباسی، این شهر را به یکی از کانون‌های اصلی تنش میان گذشته و توسعه شهری در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بدل کرد. در میانه دهه چهارم، این تنش در سیاست‌های رسمی نیز بازتاب یافت؛ به‌ویژه زمانی که شهرداری اصفهان در سال ۱۳۴۷ مقرر کرد تنها ساختمان‌هایی که به «سبک معماری اصیل قدیمی» ساخته شوند، پروانه دریافت کنند. این رویکرد، مداخله‌ای صریح در تعریف «هویت معماری شهر» بود و واکنش تند جامعه معماری را برانگیخت. انتقادات به‌وضوح در مقاله «معماری ملی» منعکس شد؛ متنی که در بولتن انجمن آرشیست‌های ایران بازنشر شد و بر ناسازگاری نسخه‌برداری از فرم‌های تاریخی با نیازهای فنی و کارکردی شهر معاصر تأکید داشت. نویسندگان با اشاره به محدودیت‌های کالبدی، فناوری و شیوه زندگی امروز هشدار می‌دادند که تحمیل سبک‌های گذشته، نه عملی است و نه مطلوب:

«معماری ملی - چندی است صحبت از اینست که مهندسان و معماران ایرانی باید در احداث ساختمان‌ها سبک معماری اصیل ملی را زنده سازند و حتی در جراید خوانده شده که شهرداری اصفهان گفته است جز برای ساختمان‌هایی که به سبک معماری اصیل قدیمی بنا شود،

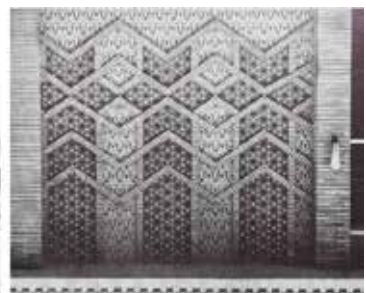
معماری ایران در دوراهی سبک ملی یا مدرن - ... سؤالی ممکن است در اینجا پیش آید و آن اینکه: آیا می‌توانیم بدون اینکه از اسلوب قدیم کورکورانه تقلید کنیم با مدرن کردن آن نتایج خوبی در معماری به دست آوریم؟ ... در جواب باید گفت اینکه ما اسلوب قدیم را بگیریم و با تزئینات زاید آن را مدرن نشان دهیم مانند آن است که خانم یا آقای پیری برای جوان نشان دادن خود در آرایش افراط کند تا بدین وسیله چین و شکن‌های عمیق صورتش را پوشیده بدارد. این سؤالی بود که سال گذشته از اینجانب شده - وقتی که شب نوروز در اصفهان بودم و در دکوراسیون مجلل ولی خسته‌کننده داخل سالن‌های هتل شاه‌عباس گردش می‌کردم چند نفر از مشتری‌های قدیم به من نزدیک شده و گفتند آقای مهندس ببینید چقدر زیبا و قشنگ است باید سبک مدرن را کنار بگذارید و به این اسلوب ساختمان‌ها را بسازید یا حداقل این سبک را مدرنیزه نمایید ...».

به نظر می‌رسد دیدگاه وارطان در سال‌های پایانی دهه ۴۰ (زمانی که او تقریباً پنجاه ساله بود) چندان مُد زمان نبود. چنین نگاهی نه تنها مقبول تصمیم‌گیران شهری بلکه حتی میان جامعه حرفه‌ای معماران نیز کمتر طرفدار داشت. نشانه این تغییر را در نحوه داوری و اجرای مسابقه معماری «میدان و بازارچه مقابل هتل عباسی» قابل پیگیری است.

این مسابقه که در ماه‌های پایانی سال ۱۳۴۹ توسط «انجمن آرشیست‌های ایران» برگزار شد، تمایل تصمیم‌گیران شهری و جامعه حرفه‌ای را برای بازطراحی فضای پیرامون هتل شاه‌عباسی نشان می‌داد. مخالفت‌های منتشرشده در نشریات محلی و کشوری با رویکرد تلفیق نو و کهنه در احداث هتل، و هم‌زمان رشد گرایش به معماری سنتی در اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، زمینه انجام تغییرات جدید را فراهم کرد.

این مداخلات شامل توسعه هتل به سمت شرق، ایجاد میدان و بازارچه‌ای در جنوب خیابان روبه‌روی هتل، و بازطراحی نمای بیرونی در سال ۱۳۵۱ بود. ایجاد میدانگاهی عقب‌نشسته جایگاه شهری هتل را تقویت کرد و نمای تازه با آجرکاری، تزئینات آجری و سطوح کاشی‌کاری - هماهنگی بیشتری با معماری سنتی و بازارچه مقابل برقرار ساخت؛ به گونه‌ای که نمای مدرنیستی اولیه کمتر به چشم می‌آمد. طراحی این نما بر عهده معمار ایرانی الیاس گبای، برنده مسابقه، بود (Daniel & Tajdar, 2021, 309) (تصویر ۲).

تحلیل این فرایند از منظر تحلیل گفت‌وگو انتقادی و الگوی سه‌سطحی



تصویر ۲. تغییرات نهایی در نمای جنوبی هتل عباسی و هماهنگی آن با میدان و بازارچه روبه‌روی هتل به طرحی الیاس گبای. مأخذ: رجبی، ۱۳۵۵، ۸۶ و ۱۴۴.

معماران و توجه به کیفیت طرح‌ها تکیه می‌کرد و بیشتر جنبه حمایتی و تنظیم‌گر داشت.

نمونه‌هایی مانند ساخت کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان اصفهان (کتابخانه کودک اصفهان، ۱۳۴۸، ۳-۸) یا تصمیم برای برگزاری مسابقات معماری در طرح‌های جدید دانشگاه اصفهان (ساخت‌های آینده ...، ۱۳۵۲، ۴) نشان می‌دهد که نقش او در ایجاد سازوکارهای تخصصی -مانند اتکا به مسابقه و داوری حرفه‌ای- تعریف می‌شد. این اقدامات می‌کوشیدند نسبت میان معماری جدید و هویت تاریخی شهر را از مسیر فرایندهای حرفه‌ای هدایت کنند. از منظر تحلیل گفتمان انتقادی و الگوی سه‌سطحی فرکلاف، سوژه «توسعه به‌علاوه حفظ هویت» صحنه‌ای روشن از منازعه گفتمانی بر سر تعریف مشروع هویت معماری شهر است. در سطح متن، زبان دستوری و تجویزی سیاست‌های شهرداری -با تأکید بر «سبک اصیل قدیمی»- در تقابل با متون انتقادی حرفه‌ای قرار می‌گیرد که با استدلال‌های فنی، کارکردی و اجتماعی، تقلید صوری از گذشته را به چالش می‌کشند. در سطح کنش گفتمانی، این تقابل در تفاوت میان شیوه‌های مداخله بروز می‌یابد: از صدور بخش‌نامه‌های شهری تا اتکا به ابزارهای حرفه‌ای مانند مسابقه معماری، داوری تخصصی و نقش فعال انجمن آرشیست‌ها در پروژه‌هایی چون پل‌های زاینده‌رود. در سطح بافت اجتماعی، این کشاکش در بستر فشارهای توسعه شهری، حفاظت از میراث تاریخی و مداخلات سطوح مختلف قدرت -شامل نقش تنظیم‌گرانه دربار- معنا می‌یابد و نشان می‌دهد هویت معماری اصفهان نه محصول یک سیاست واحد، بلکه نتیجه چانه‌زنی میان نهادهای رسمی، جامعه حرفه‌ای و الزامات شهر مدرن است.

• سوژه سوم: اصفهان صادر می‌شود

در آغاز دهه ۱۳۵۰، «اصفهان تاریخی» از یک مقصد گردشگری فراتر رفت و به کالایی فرهنگی قابل بازتولید بدل شد؛ یک الگوی آماده برای مصرف عمومی، و حتی نوعی برند معماری. «سبک صفوی» این بار از محدوده میدان نقش جهان بیرون آمد و در پایتخت حضوری نمایشی و بازارپسند یافت؛ نوعی بازنمایی از «صالت» که دیگر به مکان وابسته نبود؛ نمونه برجسته این روند، افتتاح بازاری در قلب تهران بود که وعده تجربه «اصفهان صفوی» بدون ترک پایتخت را می‌داد:

«بازار شاه عباسی تهران- مرکز جهانگردان و سیاحانی است که برای تماشای آثار تاریخی به ایران می‌آیند ... بازار شاه عباسی که کاملاً با فرم و نقشه صفوی بنا گردید، در عین حال از امکانات ساختمان‌های مدرن امروزی نیز برخوردار می‌باشد، یعنی بدین شکل، که در عین حال این بنا به‌صورت بازار و به شکل حجره و استیل کاملاً قدیمی بنا گردیده، ولی از تهویه مطبوع و داشتن وسائل آسایش امروز برخوردار می‌باشد. ... به جرأت می‌توان گفت که بازار شاه عباسی محلی است برای جلب توریست و مشتاقانی که برای دیدار آثار تاریخی به ایران می‌آیند، می‌توانند بدون خرج و رنج سفر، در

پروانه ساختمان نخواهد داد. ... مسلم است که در زمین‌های داخل شهرها که معمولاً مساحتی کم در بر دارد نمی‌توان ساختمان‌هایی به سبک قدیم بنا نمود ... البته ممکن است عده‌ای بگویند منظور این است که نمای ظاهری ساختمان‌ها را باید به سبک معماری اصیل ملی بنا کرد ولی داخل آن باید متناسب با احتیاج و زندگی امروزی باشد. در اینجا نیز باید بگوییم که پیروی از چنین سبکی مشکل به نظر می‌رسد. ... معیناً مجدداً تذکر می‌دهیم که شرایط زمان و مکان و پیشرفت علم وسعت دامنه احتیاجات بشر و تغییر ذوق‌ها و سلیقه‌ها و همچنین اوضاع جغرافیائی مناطق و وضع اقتصادی افراد ایجاب نموده که ساختمان‌ها به صورت امروزی درآید ... همینقدر می‌توانیم توصیه کنیم که موجباتی فراهم نیایم تا از آنجا رانده و از اینجا مانده باشیم و ساختمانی را هم که بنا کرده‌ایم به درد زندگی و زیستن نخورد» (معماری ملی، ۱۳۴۷، ۲۹ و ۳۰).

چند سال بعد همین مناقشه در مقیاسی متفاوت و در بستری فنی-شهرسازی تکرار می‌شود. مسئله این بار احداث پل‌های جدید روی زاینده‌رود بود؛ ضرورتی عمرانی که پرسش‌هایی جدی درباره نسبت میان سازه‌های جدید و میراث تاریخی پل‌های صفوی مطرح می‌کرد. مرور گزارش‌های رسمی و مجلات تخصصی نشان می‌دهد که میان نگاه مسئولان شهری و رویکرد جامعه حرفه‌ای تفاوتی جدی وجود داشت.

«مسابقه طرح احداث پل بر بستر رودخانه زاینده رود اصفهان- با توجه به تقاضای استاندار اصفهان مبنی بر افزایش روزافزون جمعیت این شهر و وسائل نقلیه و ایجاد تأسیسات صنعتی و برای حفظ زیبایی و دوام و بقاء پل‌های الهوردیخان و خواجه مقرر گردید که پلی بر بستر رودخانه احداث گردد. ابتدا طرحی از طرف اساتید دانشگاه اصفهان تهیه گردید که بشرف عرض علیاحضرت شهبانو رسید و امر مقرر گردید که انجمن آرشیست‌های ایران آن را بررسی نماید. انجمن پس از بررسی دقیق طرح توصیه می‌نماید به منظور جلوگیری از تضعیف پل‌های قدیمی و موجود بر روی رودخانه این پل جدید باید بدون تقلید مستقیم از آثار باستانی طرح گردیده و تحت‌تأثیر جدیدترین روش ساختمانی بنا گردد. لذا برای رسیدن به این هدف مقرر گردید که طرح بنای پل جدید بین آرشیست‌های جوان ایران به مسابقه گذارده شود ...» (مسابقه طرح احداث ...، ۱۳۵۲، ۹ و ۱۰).

نهایتاً اجرای دو پل با نام‌های آذر و وحید، مطابق نظر انجمن آرشیست‌ها ساخته شد؛ سازه‌هایی فولادی-بتنی در کنار پل‌های صفوی قرار گرفتند و نشان دادند توسعه شهری حتی در مجاورت میراث تاریخی- می‌تواند بر پایه رقابت حرفه‌ای و بدون تقلید صوری از گذشته پیش برود (اولین کنگس ...، ۱۳۵۲، ۵).

در کنار مناقشات میان شهرداری و جامعه حرفه‌ای، نشانه‌هایی نیز از حساسیت سطوح بالای حاکمیت نسبت به سرنوشت کالبدی اصفهان دیده می‌شود. در این میان، نقش فرح پهلوی -با وجود قرارداشتن در ساختار قدرت- با سیاست‌های اجرایی شهرداری تفاوت داشت؛ مداخله‌ای که به جای تحمیل سلیقه معماری، بر جلب مشارکت

گذشته و دیگری متکی بر نقد و بازخوانی آن - شالوده دو گفتمان رقیب را می‌ساخت که در جدول ۱ تفکیک شدند. در سطح کنش گفتمانی، این دو گفتمان نه فقط در زبان، بلکه در نقش‌هایی که برای معمار و نهادهای تصمیم‌گیر تعریف می‌کردند نیز از یکدیگر متمایز بودند. گفتمان رسمی - توریستی معمار را در مقام مجری و تثبیت‌کننده «چهره اصیل» شهر می‌نشانده، درحالی‌که گفتمان حرفه‌ای - انتقادی بر استقلال دآوری معمار، نفی تقلید تاریخی و ضرورت انطباق طرح‌ها با نیازهای معاصر تأکید داشت. پروژه‌هایی مانند میدان روبه‌روی هتل شاه‌عباسی یا مسابقه پل‌های زاینده‌رود نشان دادند که همین کنش‌گری حرفه‌ای چگونه می‌توانست جهت پروژه‌ها را حتی - در دل سازوکارهای رسمی - تغییر دهد. در سطح بافت اجتماعی نیز تنش میان «سنت» و «مدرنیته» نه یک دوگانۀ ثابت، بلکه صحنه‌ای از نزاع این دو گفتمان بود. گفتمان رسمی با برساختن گذشته به عنوان کالایی فرهنگی و الگوی قابل تکثیر (مانند بازار

همین تهران یکی از آثار دوران باشکوه صفوی را از نزدیک مشاهده کنند» (بازار «شاه‌عباسی» ...، ۱۳۵۱، ۱۵) (تصویر ۳). این بازسازی «صفوی قابل حمل» به فضاهای تجاری محدود نماند و به سرعت به الگویی برای بناهای عمومی نیز تعمیم یافت؛ از جمله ساخت مدارس دولتی تهران با الگوی معماری صفوی (هفتاد مدرسه ...، ۱۳۵۱، ۱۳).

نتیجه‌گیری

بررسی سه سوژه معماری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی نشان داد که در سطح متن، «هویت ایرانی» در گفتار رسمی و گفتار حرفه‌ای معنای یکسانی نداشت. رسانه‌های عمومی آن را بیشتر در قالب احیای صوری و نمایشی گذشته صورت‌بندی می‌کردند، درحالی‌که نشریات تخصصی و نقدهای حرفه‌ای آن را مفهومی پویا و زمان‌مند می‌فهمیدند. این دو شیوه بازنمایی - یکی مبتنی بر بازتولید تصویری



بازار شاه‌عباسی، مرکز جهانگردان و سیاحانی است که برای تماشای آثار تاریخی بایران می‌آیند. ساختمانهای بزرگ ایران، بابر خورداری از امکانات پیشرفته روز، در طرح و سبک معماری دوران صفویه ساخته می‌شود.



جهانگردان، ضمن بازدید از این بنا، که به سبک معماری اصیل ایرانی در مرکز تهران ساخته شده است، می‌توانند مسوقاتی مورد نیاز خود را نیز خریداری کنند.

تصویر ۳. نحوه نمایش رسانه‌ای بازار شاه‌عباسی تهران در جراید رسمی. مأخذ: بازار «شاه‌عباسی» ...، ۱۳۵۱، ۱۵.

جدول ۱. مقایسه دو گفتمان رقیب در بازنمایی هویت شهری اصفهان به روش تحلیل گفتمان انتقادی (نورمن فر کلاف). مأخذ: نگارندگان.

محور تقابل	گفتمان رسمی - توریستی	گفتمان حرفه‌ای - انتقادی
زبان و کلیدواژه‌ها	«اصیل»، «صفوی»، «جذب توریست»، «میراث».	«زمان‌مند»، «کارکرد»، «بازخوانی سنت»، «معماری امروز»، «استقلال حرفه‌ای».
نحوه بازنمایی رسانه‌ای	خبرهای پرزرق و برق، گزارش‌های تبلیغاتی، برجسته‌سازی جنبه‌های ظاهری و تزئینی.	گزارش‌های تحلیلی و نقد فنی در بولتن‌ها و مجلات حرفه‌ای، زبان تخصصی و استدلالی.
لحن گفتمان	توصیفی، تبلیغی، پرشور، نوستالژیک.	هشداردهنده و تحلیلی؛ تأکید بر محدودیت‌های فنی و فکری تقلید تاریخی.
جایگاه معمار	مجری سیاست‌های شهری و نمادین؛ تابع تصمیم قدرت و ذوق حاکمان.	طراح اندیشمند و منتقد؛ کنشگری مستقل در بازتعریف ارزش‌های معماری.
کنشگران اصلی	شهرداری اصفهان، بخش خصوصی مرتبط با گردشگری، سرمایه‌داران بازاری‌مآب، رسانه‌های عمومی.	انجمن آرشیست‌ها، معماران مستقل (وارطان)، مجلات تخصصی، (نقش شهبانو به عنوان میانجی در بهره‌گیری از سازوکارهای حرفه‌ای).
نوع و هدف پروژه	بازسازی و تقلید از فرم‌های تاریخی برای جلب توریست و نمایش اصالت ملی. (پروژه تغییرات تدریجی در طراحی داخلی و نمای هتل شاه‌عباسی، پروژه بازار صفوی تهران)	خلق فضاهای جدید با الهام مفهومی از سنت؛ پاسخ به نیازهای معاصر شهر (پروژه میدان روبه‌روی هتل شاه عباس، پروژه پل‌های آذر و وحید).
رویکرد نسبت به سنت/مدرنیته	سنت به عنوان الگوی ثابت برای بازتولید؛ مدرنیته به مثابه تهدید برای اصالت.	سنت به عنوان منبع الهام فکری؛ مدرنیته به عنوان فرصت برای بازآفرینی هویت.
فضای کلی گفتمان	اصفهان به مثابه ویرین تاریخ و نماد شکوه ملی؛ شهری برای نمایش گذشته در قالب توسعه کنترل‌شده.	اصفهان به مثابه میدان تجربه معماری معاصر؛ جایی برای پیوند خلاق گذشته و حال.

سطح متن

سطح کنش گفتمانی

سطح بافت اجتماعی

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از جناب آقای ویکتور دانیل، از اعضای گروه معماری دوران تحول که آرشیو فیش‌برداری شده روزانه روزنامه اطلاعات (۱۳۴۰-۱۳۵۷) را جهت انجام پژوهش در اختیار نگارندگان این مقاله قرار دادند تشکر می‌کنیم.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

صفوی تهران، هویت را در سطحی نمادین و قابل بازنمایی جست‌وجو می‌کرد؛ در مقابل، گفتمان حرفه‌ای سنت را منبعی برای تولید معنا در اکنون می‌فهمید. بدین ترتیب، معماری اصفهان در پهلوی دوم نه محلی برای بازتولید انفعالی گذشته، بلکه میدان شکل‌گیری هویتی بود که در برهم‌کنش نیروهای سیاسی، رسانه‌ای و حرفه‌ای ساخته می‌شد و معنای خود را در رقابت این دو خوانش به دست می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها

۴. Inscription
۵. Maxime Siroux
۶. International Style

۱. Eric Hobsbawm
۲. The invention of tradition
۳. Nation-states

فهرست منابع

- اولین کلنگ ساختمان دو پل عظیم. (۱۳۵۲، ۸ مهر). روزنامه اطلاعات، ۵.
- بازار «شاه‌عباسی» در تهران خاطره معماری‌های با عظمت گذشته ایران را زنده می‌سازد. (۱۳۵۱، ۲۰ شهریور). روزنامه اطلاعات، ۱۵.
- در مهمانسرای شاه‌عباس کبیر اصفهان هنر چهارصدسال پیش ایرانیان به‌دست هنرمندان اصفهانی از نو زنده می‌شود. (۱۳۴۵، ۲۸ شهریور). روزنامه اطلاعات، ۶.
- ساختمان‌های آینده دانشگاه اصفهان با سبک معماری اصفهان هماهنگ می‌شود. (۱۳۵۲، ۲۹ آذر). روزنامه اطلاعات، ۴.
- رجبی، پرویز. (۱۳۵۵). معماری معاصر ایران در عصر پهلوی. دانشگاه ملی.
- کتابخانه کودک اصفهان. (۱۳۴۸). هنر و معماری، ۳-۴، ۸-۳.
- مسابقه طرح احداث پل بر بستر رودخانه زاینده‌رود. (۱۳۵۲). نشریه انجمن آرشیتکت، ۱، ۹-۱۰.
- معماری ملی. (۱۳۴۷). بولتن انجمن آرشیتکت، ۳، ۳۹-۴۰.
- هفتاد مدرسه به سبک صفویه برای اول مهر آماده است. (۱۳۵۱، ۳۰ شهریور).
- روزنامه اطلاعات، ۱۳.
- هاوانسیان، وارطان. (۱۳۴۸). معماری ایران در دوره سبک ملی و جدید. هنر و معماری، ۱، ۳۵.
- Ashraf, A. (2022). *Persian identity: from the antiquity until modern times* (H. Ahmadi, Trans.). Ney Publishing.
- Babaie, S. (2008). *Isfahan and its palaces: Statecraft, Shi'ism and the architecture of conviviality in early modern Iran*. Edinburgh University Press.
- Daniel, V., & Tajdar, G. (2021). *The architecture of Maxime Siroux*. Rahseparan Publishing.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. Longman.
- Fairclough, N. (2019). *Discourse analysis: the critical study* (R. Ghasemi, Trans.). Andisheh-ye Ehsan. (Original work published 1995)

- Grigor, T. (2002). Use/mis-use of Pahlavi public monuments and their Iranian reclaim. *Thresholds*, 24, 46–53. https://doi.org/10.1162/thld_a_00393
- Grigor, T. (2003). Of metamorphosis: Meaning on Iranian terms. *Third Text*, 17(3), 207–225. <https://doi.org/10.1080/09528820307453>
- Hobsbawm, E. J. (1990). *Nations and nationalism since 1780: Programme, myth, reality*. Cambridge University Press.
- Jørgensen, M. W., & Phillips, L. J. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. SAGE.
- Karimi, P. (2013). *Domesticity and consumer culture in Iran: Interior revolutions of the modern era*. Routledge.
- Mozaffari, A. (2007). Modernity and identity: The National Museum of Iran. In S. J. Knell, S. MacLeod, & S. Watson (Eds.), *Museum revolutions: How museums change and are changed* (pp. 87–104). Routledge.
- Mozaffari, A. (2021). *Forming national identity in Iran: the idea of homeland derived from ancient Persian and Islamic imaginations of place* (A. Raffahi, Trans.). Shirazeh Book.)Original work published 2014)

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

زند، علیرضا و مطلبی، قاسم. (۱۴۰۵). بازخوانی دو گفتمان متقابل در بازنمایی سیمای شهری اصفهان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی. *منظر*، ۱۸ (۷۶)، ۱۶–۲۳.

DOI: [10.22034/manzar.2026.568059.2399](https://doi.org/10.22034/manzar.2026.568059.2399)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_242497.html

